

یادداشت

کارکنان رسمی نفت و مسئله خلف وعده های پیاپی مسئولان

صادق کار



کارگران نفت در واقع هنوز همچنان ستون اصلی اقتصاد کشور هستند. بیشترین درآمد کشور هنوز از صادرات نفت و گاز و پتروشیمی به دست می آید با این همه ده ها بار اعتصاب و اعتراض هم باعث گرفتن مطالبات "حیاتی" شان نشده. انگار نه اینکه وارث نسلی هستند که نقش قاطعی در انقلاب ۵۷ داشتند و ضربه نهایی را بر دیکتاتوری سلطنتی وارد کردند. دوره باطل تسلسل ۱۰ ساله همچنان در حال تکرار است و معلوم شده که رژیم با این سطح از مبارزه حاضر به گردن گذاشتن به مطالبات حیاتی شان نیست.

به نوشته خبرگزاری ایلنا جمعی از کارگران رسمی نفت نسبت به موکول کردن پاسخ مطالبات شان توسط مسئولین شرکت نفت و دولت به سال آینده اعتراض دارند. اعتراض کارکنان رسمی واکنشی است نسبت به سخنان "مهدی علی مددی" معاون وزیر نفت در امور توسعه و مدیریت سرمایه انسانی که تنها چند هفته بعد از توافق با کارکنان اعتصابی نفت اجرای آن را به سال آینده موکول کرد و گفت: "حل مسائلی همچون اصلاح جدول بدو استخدام، ماده ۱۰، بحث مالیات، پاداش و سنوات، سقف حقوق و تأمین مسکن را به صورت ویژه دنبال می کنیم، اظهار کرد: امید داریم سال آینده بسیاری از این موارد مهم و حیاتی را به سرانجام مطلوب برسانیم". از چپش اظهارات معاون وزیر نفت مشخص می شود که وی مایل به اجرای توافقات خود حتی در سال آینده هم نیست و بجای اینکه صحبت از اجرای خواسته های کارکنان بنماید، به وعده گل و گشاد و نامفهوم "امیدواریم" اکتفا می کند. قرار بود یکی از خواسته های کارکنان نفت که مربوط به تعیین سقف مالیاتی دستمزد و حقوق بود با تغییر در لایحه بودجه دولت رفع شود. موکول کردن آن به سال آینده به معنی عملی نشدن این خواسته اساسی است که مسئولین نفت و مجلس قول آن را داده بودند و حالا به راحتی زیر آن زده اند.

گفتنی است که اعتراضات کارکنان رسمی نفت نسبت به امتناع مدیریت شرکت از خواسته هایی که معاون توسعه انسانی وزیر نفت نیز پس از بر شمردن آنها به "حیاتی بودن" شان اذعان دارد شروع و هر از چند گاهی جریان داشته است. اعتراضات در دو سال اخیر به دلیل افزایش فشارهای معیشتی و ترمز پاره



کردن تورم و گرانی بیشتر شده‌اند. شگرد مسئولین دولتی با اعتراضات کارگران نفت علاوه بر توسل به سرکوب و بازداشت‌های دسته جمعی دادن وعده اجرای مطالبات و حواله کردن آن به آینده نزدیک بعد از دست کشیدن از اعتصاب بوده است.

با این حال هیچگاه به توافقات خود ذره‌ای پایبندی نشان نداده و از انجام آن امتناع ورزیده‌اند. امتناع اخیر معاون وزیر نفت حکایت از ادامه رویه تا کنونی دولت با کارگرانی دارد که بقول خود او خواسته های "حیاتی" دارند. یعنی دولت با وجود اینکه نسبت به حیاتی بودن مطالبات معترضین واقف است اما از پذیرش آنها طفره می رود.

این رویه دولت در واقع در تمام اعتصابات بکار گرفته می شود و به نظر می رسد برای دولت نتیجه بخش بوده است و کارگران و مزد و حقوق بگیران اما نتیجه چندان مطلوبی به دست نیاورده‌اند، زیرا حکومت در اختیار کسانی است که به نیروی کار به مانند بردگان خود نگاه می کنند و در طی چهار دهه گذشته سعی نموده اند با بی حقوق سازی و جلوگیری از سازمانیابی نیروی کار و سرکوب وحشیانه زحمتکشانش شرایط بردگی نیروی کار را فراهم کرده‌اند.

وضعیت امروز نیروی کار کم شباهت به حال و روز بردگان در دوران برده داری نیست. برده داران جبرا برای اینکه بردگان شان بتوانند برایشان کار کنند حداقل آنها را سیر نگه می داشتند و مکانی برای سکونت در اختیار شان قرار می دادند. اما امروز مطابق آمارهایی که نهادهای حکومتی منتشر کرده‌اند، حداقل یک سوم جمعیت کشور به زیر خط مطلق فقر سقوط کرده‌اند. قیمت اجاره بها به حدی رسیده که فقط دهک های ۷ به بالای جمعیت قادرند آنها را تامین کنند. با این همه فقر و فلاکت باز هم می بینیم که حکومت از اجابت خواسته های حیاتی نیروی کار طفره می رود و اعتراضات آنان را با زندان و شکنجه جواب می دهد. اما خود نیروی کار هم در پیدایش این وضعیت سهمی دارد چرا که ظلم و ستم و سرکوب و تبعیض و استثمار بی حد و مرز خود را می بیند ولی به اندازه لازم و به موقع با آن مقابله موثر نمی کند و به راحتی فریب ترفندهای حکومت را می خورد.

کارگران نفت در واقع هنوز همچنان ستون اصلی اقتصاد کشور هستند. بیشترین درآمد کشور هنوز از صادرات نفت و گاز و پتروشیمی به دست می آید با این همه ده ها بار اعتصاب و اعتراض هم باعث گرفتن مطالبات "حیاتی" شان نشده. انگار نه اینکه وارث نسلی هستند که نقش قاطعی در انقلاب ۵۷ داشتند و ضربه نهایی را بر دیکتاتوری سلطنتی وارد کردند. دوره باطل تسلسل ۱۰ ساله همچنان در حال تکرار است و معلوم شده که رژیم با این سطح از مبارزه حاضر به گردن گذاشتن به مطالبات حیاتی شان نیست. پرسش این است تا کی باید به این دور بی فایده تن داد؟ قبل از شروع جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، شاید می شد تا اندازه‌ای این وضع را توجیه کرد ولی بعد از آن دیگر نمی شود این کار را کرد. تجربه ۴۳ ساله با وضوح هرچه تمامتر نشان داده است که با وجود این رژیم وضعیت کارگران و مزد و حقوق بگیران از هر لحاظ بدتر شده است و هر روز هم بدتر خواهد شد و خلاصی از این وضعیت در گرو همبستگی همه گروه های اجتماعی خصوصا کارگران صنعت نفت است که مشترکات بسیاری با یکدیگر در این جنبش انقلابی دارند

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش بیست و ششم
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهایی"
هیو استورجس



برازیل: صف انتظار در برابر یک اداره کار برای ثبت نام برای کار.
یکی از تصمیمات لولا دو سیلوا، در سه روزه نخست ریاست جمهوری

تضمین اشتغال در عمل: واقعیت‌های سیاسی و اداری 4. ملاحظات سیاسی - ادامه

پیش بینی کرد که سرمایه سازمانیافته در برابر (Kalecki) مقاومت بازار کسب و کار در برابر "تضمین اشتغال": کالکی
دستیابی به اشتغال کامل به دلایل زیر مقاومت می‌کند:

الف- کاهش اهمیت سیاسی "اطمینان" بازار کسب و کار به عنوان محرک رشد اقتصادی؛

ب- تقویت پیوسته قدرت دولت و مالکیت آن بر سرمایه و سرمایه گذاری؛ و

ج- اثرات اجتماعی و اقتصادی بلندمدت رهایی نیروی کار از تهدید اخراج

میتچل و مایسکن با مکتب بر رویدادهای بعدی در درجه نخست به طریق متقاعدکننده ای نشان داده اند که بازار کسب و کار به خودی خود با هزینه های دولت مخالف نیست - حتی ممکن است فعالانه برای آن لابی هم بکند، مثلاً وقتی پای ایجاد زیرساختها و انجام تحقیقات در میان باشد. با این حال، آنها در گامهای بعدی تأثیر انقلابی "تضمین اشتغال" و تأثیرات آن را بر مناسبات کار [و سرمایه] در راستای حذف بیکاری نادیده می گیرند. "تضمین اشتغال" منطق استخدام را با نشان دادن سرمایه داران در جای "نیازمندان" و کارگران در جای "گزینندگان" معکوس می کند. اگر "تضمین اشتغال" با تعبیه های تنبیهی شدید همراه نباشد - که مدلهای ارائه شده توسط حامیان آن چنین نیستند - آن گاه قطعاً موجب اعتماد به نفس بیشتر و تشجیع کارگران برای مطالبه دستمزد بیشتر و بهبود شرایط کار خواهد شد. این ایده به روشنی ایجاد امنیت بیشتر (درآمد، منزلت شخصی و اجتماعی و ...) برای کارگران را در نظر دارد، و به همین دلیل یا مخالفت دنیای کسب و کار، به ویژه کارفرمایان میانه حالی که به نیروی کار سازگار عادت دارند، روبرو می شود. طبعاً اگر عموم مردم به این باور برسند که چنین برنامه ای عملی است، می توان بر مخالفت‌های گفته شده غلبه کرد، اما اگر کاستیهای آن بر حسن نظر عمومی نسبت به آن غالب شوند، پایدار نخواهد ماند.



نتیجه ۵.

چنان که در این فصل آمد، "تضمین اشتغال" تلاشی است برای "برداشتن دو هندوانه با یک دست"، و از این رو سخت آسیب پذیر. تأمین برخی از الزامات آن ناگزیر مانعی برای تأمین برخی دیگر از الزامات آن است. چهارضلعی ناممکنی که تشریح شد، از "تضمین اشتغال" انتظار دارد که بیکاری ناخواسته را از طریق ایجاد مشاغلی از میان بردارد که بی توجه به سطح مهارت در دسترس همه اند، دارای ارزش اجتماعی اند، اما هرگز توسط بخش خصوصی یا دولتی انجام نمی شوند، و هر لحظه می توان آنها را متوقف کرد. استدلال نوشته حاضر این است که "تضمین اشتغال" نمی تواند هم یک "سهم ذخیره" موقت باشد و هم خروجی مولد داشته باشد. این مشکل کوچکی نیست، بلکه یک مشکل ذاتی ناشی از دو هدف مانع‌الجمع آن است: اشتغال کامل و ثبات قیمتها

همچنین قابل پیش بینی است که احتمالاً مخالفت سیاسی قابل توجهی با "تضمین اشتغال" بروز کند؛ از جمله از جانب اتحادیه های بخش دولتی، که یک ائتلاف ترقیخواهانه با آنها بس مورد نیاز است. البته مخالفت سیاسی به تنهایی دلیل کافی برای عدم اجرای یک سیاست نیست، اما به نظر نمی رسد که مزایای مفروض "تضمین اشتغال" بر هزینه های سیاسی احتمالی آن بچربند. چنان که در فصل ۳ بحث شد، جنبه های تورمی "تضمین اشتغال" بسیار بیشتر از آن چیزی است که طرفداران اش طرح می کنند، و مزایای آن برای جامعه و کارگرانی که تحت پوشش آن به استخدام درخواهند آمد، احتمالاً اندک است. از آنجایی که این گروه کارگران بیش از دستمزد پایه دریافت نمی کنند و مطلقاً ساده نیست که به مشاغلی بپردازند که نیاز به برنامه ریزی، مهارت یا دوره های تکمیلی داشته باشد، احتمالاً کارهایی به آنان سپرده خواهند شد، که هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی کم ارزش اند، و در معرض انگ و تحقیر. جایگزینی که ورای برای دادن مساعده ای برابر دستمزد کارگران "تضمین اشتغال" به جویندگان کار تمام وقت پیشنهاد کرد، به واقع یک سیستم سخاوتمندانه تر برای کمک به بیکاران است. این تناقض اساسی در "تضمین اشتغال" را تنها با تغییر اساسی در اهداف آن می توان از میان برداشت

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل گیومه) در *

معنای خاص آن، که در بخش ۱ این مقاله چنین تعریف شده است

1. تضمین اشتغال "ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد: یک امکان همگانی برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی
2. دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که چشم انداز "شغلی بهتری وجود دارد،" به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود
4. کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیت ها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیتهای جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



توقف موقت اصلاح قانون کار در مجلس به منزله پایان کار نیست!
صادق



چندی پیش خبرگزاری ایلنا به نقل از یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس ولایی از توقف بررسی طرح اصلاح قانون کار به علت تراکم موضوعات دیگر خبر داد. نماینده نامبرده توضیحی در مورد زمان بازگشت یا عدم بازگشت "اصلاح" سخنی نگفت.

تلاش برای تغییر برخی مواد حمایتی قانون کار ده ها سال است که دنبال می شود و هر دولتی که در این سالها برسر کار بوده بخشی از محدود مواد حمایتی قانون را که اندکی به نفع کارگر بوده یا می توانسته باشد از بین برده و در نتیجه قانون کار را تقریباً از محتوا تهی نموده است.

تنها چند ماده دست نخورده در قانون باقی مانده که آنها را نیز سالهاست اجرا نمی کنند. یکی از قوانین باقی مانده که در این دوره می خواهند آن را به نفع کارفرمایان دولتی و خصوصی و خصولتی از بین ببرند ماده ۴۱ قانون کار است. در این قانون شرایط تعیین دستمزد سالیانه کارگران معین شده است. می خواهند با ایجاد تغییراتی در آن همان طرح کذایی منطقه‌ای کردن دستمزدها بر اساس هزینه های زندگی را صورت قانونی بدهند. یعنی در واقع قصد دارند سطح دستمزدها را بطور نا متساوی در همه جا کاهش دهند و انجام آن مسلماً به زیان کارگران است. آنها در حالی از تعیین دستمزد بر اساس هزینه های زندگی دم می زنند و آن را بهانه قرار می دهند که هیچگاه به استثنای سال ۵۷ دستمزد ها را بر اساس هزینه های واقعی افزایش نداده‌اند.

کنار گذاشتن موقت طرح اصلاح بر خلاف آنچه می گویند نه از روی حجم بالای مطالب در دستور مجلس بلکه بواسطه حساسیت بالایی است که در شرایط ویژه کنونی نسبت به افزایش دستمزد میان کارگران وجود دارد. از همه قانون کار حساسیت کارگران نسبت به قانون دستمزد بیشتر است. بیم دارند با این کار انفجار معیشتی را تسریع کنند. با این وصف این یک اقدام تاکتیکی موقت است و نباید به عنوان توقف همیشگی تلقی اش کرد.

قانون کار در همه جا برای دفاع از حقوق کارگران در مقابل کارفرمایان و کنترل حد و حدود فشار و استثمار کارگران توسط آنان و بیشتر و مقدمتر از آن در اثر مبارزات حق خواهانه کارگران و سازمانهای سیاسی و سندیکایی کارگری بوجود آمده است و نه آنطور که حاکمان رژیم فقهاتی می پندارند و عمل می کنند برای دفاع از کارفرما و صاحبان قدرت در مقابل کارگر.



برخورد حکومت با قانون کار نیز مانند همه موارد دیگر وارونه است. در سالهای نخست بعد از انقلاب بهمن مقصود از تغییر قانون کار پیش از انقلاب تقویت حمایت‌های قانونی آن بود و نه تضعیف آن. برای نمونه کارگران می خواستند ماده ۳۳ قانون کار که حق اخراج دلبخواهانه را به کارفرما داده بود لغو شود تا امنیت شغلی کارگر تامین شود. این حق البته به صورت نیمه کار و با شرط و شروطی چون شرط تأیید اخراج توسط نماینده کارگر در محل کار پذیرفته شد و در ماده ۲۷ قانون کار منعقد شد. اما همین پذیرش نصفه نیمه هم از آنجا که در همین قانون حق تشکل مستقل از کارگر سلب شده بود عملاً اثر چندانی در ایجاد امنیت شغلی که در واقع پایه امنیت اجتماعی هم هست نداشت.

با این همه از آنجا که نیروهای ارتجاعی از بدو امر مخالف همین حد از تغییر بودند به محض اینکه بعد از سرکوب های دهه ۶۰ زمینه را برای پس گرفتن هر آنچه در اثر تغییر توازن قوا مجبور به قبول کردن آنها شده بودند مساعد دیدند این ماده را دوباره به حالت اول اش بر گرداند. به این هم بسنده نکردند و با قراردادی و پیمانی کردن کارگران و خارج کردن آنان از شمول قانون اساس امنیت شغلی و کلاً قانون کار را از بین بردند.

بهمن جهت خبرهایی که در مورد تغییر ته مانده قوانینی که با تردید می توان آنها را حمایتی خواند پس از سه دهه تجربه به رغم اینکه با نفرت و انزجار از دست اندرکاران حکومتی کارگران رو به رو می شود اما واکنش چندانی را متأسفانه بر نمی انگیزاند. فهم آن هم چندان مشکل نیست زیرا کارگر می بیند قانونی که در واقع بعد از تغییرات پیاپی انجام شده در آن از محتوا تهی شده و همان هم در عمل اجرا نمی شود. سودی برایش ندارد که نسبت به آن واکنش درخور نشان دهد.

این انفعال البته با وجود فهم آن منفی است و باعث می شود تا رژیم با مشاهده انفعال مقررات و قوانین بدتر و ستمگرانه بیشتری را جایگزین قوانین حمایتی پیشین کند. نتیجه اینکه نباید نسبت به تغییر هیچ موادی از قانون ولو اینکه ذره‌ای جنبه حمایتی داشته باشد منفعل ماند. چرا که حفظ این گونه قوانین قدرت چانه زنی کارگران با کارفرمایان و دولت بر سر قانون کار آینده در دوران بعد از رژیم را تقویت می کند.

قانون کار فعلی را ما چه تغییر بکند یا نکند از آنجا که ستمگرانه و علیه حقوق کارگر و ناقض مقوله نامه های سازمان بین المللی کار است نمی خواهیم. ما خواهان قانون جدیدی هستیم که حقوق سندیکایی، اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر در آن برسمیت شناخته شود و مغایرتی با مقوله نامه های سازمان بین المللی کار هم نداشته باشد. با این همه مبارزه برای قانون کار مطلوب به مبارزات و سطح سازمانیابی نیروی کار در حال و آینده و حد و حدود نقشی که طبقه کارگر در جنبش انقلابی جاری خواهد داشت دارد. پس دوستان، رفقا، خواهران، برادران و همه زحمتکشان و عدالت خواهان معطل نکنید، کار و ساختن. سرنوشت تان را شروع کنید.

پیش بسوی سازماندهی کمیته های اعتصاب درکارخانه و اداره!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت

تحملی حمایت می کنیم!



مخابرات را مفت بردید، حقوق کارگر را چرا می خورید؟

صادق



در ۱۴ دی ماه خبرگزاری ایلنا گزارشی از ممنوع ورود شدن کارکنان مخابرات استان گیلان به محل کارشان منتشر کرد. بنا به آنچه در گزارش آمده است علت اصلی جلوگیری از ورود کارکنان مخابرات استان به محل های کارشان، اعتراض به تغییر پیمانکار بوده است. تصمیم به تغییر پیمانکار نیز به سبب اختلافاتی بوده که بین کارفرما و کارکنان بر سر رد نکردن منظم حق بیمه، عدم اجرای طبقه بندی مشاغل و قراردادهای کار پیش آمده است.

کارکنان می گویند کارفرما بخاطر ناراحتی از پیگیری مطالبات شان و بی پاسخ گذاشتن آنها قرار داد با شرکت پیمانکار را بهم زده و با دو شرکت محلی قرار داد تازه ای منعقد کرده که به ضرر کارکنان است. در قرار دادهای جدید حقوق آنان نادیده گرفته شده و خواست پیمانکاران جدید آن است که به صورت حجمی برای شرکت کار کنند.

کارکنان مخابرات استان گیلان قبل از این بارها بخاطر امتناع پیمانکار قبلی از اجابت کردن خواسته هایشان مبادرت به تجمع اعتراضی کرده بودند. به گفته آنها مراجعات مکرر و نامه نویسی و شکایات شان به نهادها ی قانونی هم بی نتیجه مانده است. نارضایتی و اعتراض در میان کسانی که در شرکتهای پیمانکاری امورات مربوط به شرکت مخابرات را انجام می دهند بسیار زیاد است و محدود به شهرهای گیلان نیست.

گزارشات متعددی از اعتراضات مخابراتی ها طی ماه های گذشته در بعضی از رسانه ها منتشر شده اند که نشان می دهند دلیل اکثر اعتراضات مشابه و به دلیل رعایت نکردن حقوق کارکنان آنان بوده است.

شرکت مخابرات چند سال پیش با قیمت نازل و شرایط سهل و آسان و از طریق زد و بند های درون حکومتی به سپاه واگذار شده و در واقع شرکتی خصولتی است با درآمد بسیار سرشار. وضعیت کارکنان

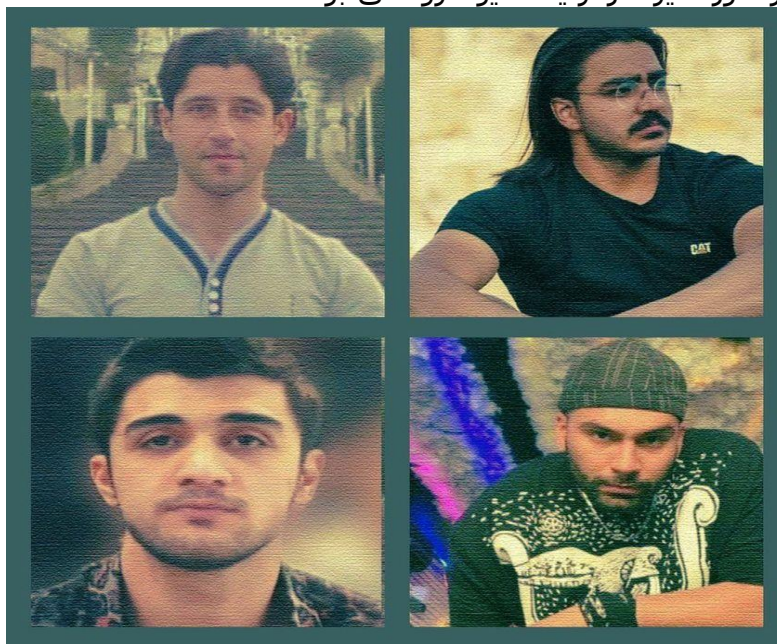


مخابرات قبل از واگذاری از لحاظ حقوق و شرایط کاری بسیار بهتر از بعد واگذاری بود و بیشتر کارکنان آن در استخدام مستقیم شرکت مخابرات قرار داشتند.

بعد از واگذاری به رغم افزایش زیاد درآمدهای شرکت مدیریت جدید برای افزایش سود دهی بخش بزرگی از امور شرکت به استثنای بخش های مهم شرکت را که امنیتی و حساس محسوب می شد به شرکت های پیمانکاری که غالباً توسط وابستگان و نزدیکان سپاه تشکیل شده بود سپرد. مزیت شرکت های پیمانکاری در این است که اکثراً دستمزد و حقوقی کمتر از حد قانونی به کارکنان خود می پردازند، در آنها اکثر قوانین رعایت نمی شود و صاحبان آنها می توانند هر طور که می خواهند با کارگر رفتار کنند. در شرکت های پیمانکاری که برای موسسات تحت مالکیت سپاه کار می کنند خودسری ها بواسطه اتکا و وابستگی شان به سپاه بیشتر است. کما اینکه در گزارش مربوط به ممنوع الورد کردن کارکنان مخابرات می بینیم پیمانکار حتی از رد کردن منظم حق بیمه کارگر که یکی از حقوق پایه ای محسوب می شود و ندادنش نقش مهمی در کم و کیف سلامتی و هزینه دارو و درمان کارگر و خانواده اش دارد هم امتناع می ورزد و سر انجام برای ندادن مطالبات کارکنان خود شرکت را به پیمانکار تازه ای می سپارد تا هم کارکنان حق طلب را مجازات کند و آنها را پس از تصفیه با شرایط نازلتری از نو به خدمت بگیرد. در این میان نیز کسی نیست که از پیمانکار قلدر و ارباب قلدر ترش بخاطر این همه حق کشی بگوید مخابرات را که مفت بردید، اقلاً حقوق کارگران تان را بدهید.

قانون باید در همه موسسات بطور یکسان اجرا و متخلفین از آن مجازات و محاکمه شوند. وظیفه ادارات کار در واقع غیر از این نیست که جلوی این ستمگری ها و زورگویی های قلدر مابانه را بگیرد، که نمی گیرد و معلوم نیست وجود بی خاصیت اش برای چیست.

هر ۴ تن که توسط تبهکاران فقاhtی سربه دار شدند کارگر بودند
سیدمحمد، کارگر مرغداری، محسن شکاری کارگر کافه، محمد مهدی کرمی کارگر روزمزد و پسر یک
دستفروش و مجیدرضا رهنورد نیز کارگر یک میوه فروشی بودند.



۵ تا ۱۰ سال زندان برای ۴ تن از رانندگان شرکت کننده در اعتصاب رانندگان کامیون
یک بیدادگاه فقاhtی در استان هرمزگان ۴ تن از رانندگان کامیون شرکت کننده در اعتصاب ماه گذشته را به
اتهام واهی اخلاص در نظم عمومی به ۵ تا ۱۰ سال زندان محکوم کرد،



از سرگیری تجمع های اعتراضی بازنشستگان:

ه گزارش خبرنگار ایلنا، امروز (۱۸ دی ماه) جمعی از بازنشستگان کارگری در شهرستانهای شوش، کرخه، هفت تپه و شهر حر با حضور مقابل اداره تامین اجتماعی محل اقامت خود، خواستار توجه به مطالبات و خواسته های خود شدند.



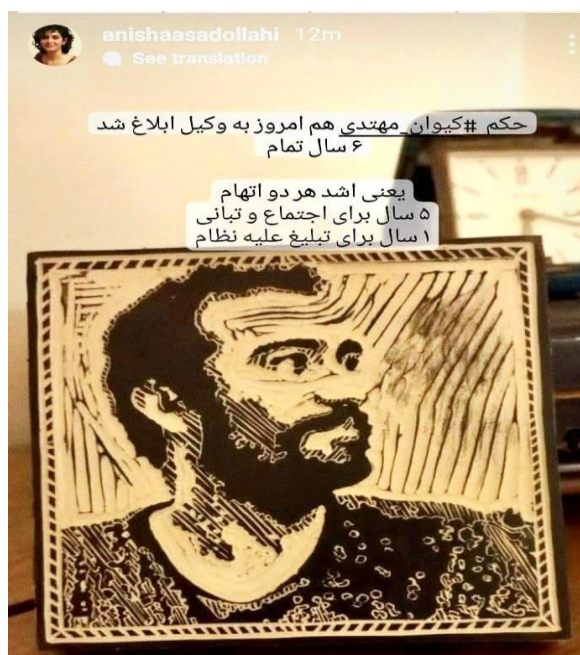
تجمع کارکنان پتروشیمی مبین ..

بنا بر اخبار دریافتی همکاران رسمی شاغل در پتروشیمی مبین در فاز یک پتروشیمی منطقه ویژه سه شنبه ۲۰ دی ماه مقابل ساختمان مرکزی این پتروشیمی تجمع کردند. این اعتراض به دلیل عدم شفافیت مدیرعامل و روسای امور جهت احقاق کارانه و تبدیل کل پرسنل بهره برداری به شیفت ۷-۷ صورت گرفته است



اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد در مورد حکم ۶ سال حبس تعزیری علیه کیوان مهتدی

کیوان مهتدی نویسنده، مترجم و فعال کارگری به ۶ سال حبس تعزیری با اتهامات اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام محکوم شده است (۵ سال برای اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور و یک سال برای تبلیغ علیه نظام)...



***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>